

ساختار موضوعی اسامی محمولی متناظر با افعال دومفعولی در کردی هورامی

غلامحسین کریمی دوستان^{۱*}، یادگار کریمی^۲، جبار میرانی^۳

۱. استاد زبان‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. دانشیار زبان‌شناسی دانشگاه کردستان، کردستان، ایران

۳. دانشجوی زبان‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

هدف از مقاله حاضر بررسی ساختار موضوعی یعنی مقوله‌بندی، آرایش نحوی و بازنمایی معنایی و آوایی اسمواره‌های متناظر با افعال دومفعولی در کردی هورامی از زبان‌های ایرانی شمال غربی است. این مقاله پس از توصیف و طبقه‌بندی این اسمواره‌ها به دو نوع ملکی و عاملی از روش برنامه کمینه‌گرایی/صرف توزیعی (MP/DM) برای تحلیل و مقایسه آنها با افعال دومفعولی متناظر استفاده می‌کند. یافته‌ها پژوهش نشان می‌دهند که آرایش نحوی اسامی حاوی مقوله فعلی واژگانی (VP) برای ادغام مشخصه کنش‌رو و مقوله‌ی الحاقی پایین (AppIP_{low}) برای معرفی هدف مملوک یا مکان است. فاعل جمله در نقش مالک مقوله اضافه ملکی (EzafP_{poss}) در اسمواره ملکی و در همان نقش عامل مقوله جهت (VoiceP) در اسمواره عاملی ترکیب می‌شود. هسته مقوله زمان (TP) و مقوله متمم (CP) مقوله فعلی کوچک (vP) را گزینش و جمله‌ساز هستند ولی هسته‌های مقوله شمار (NumP) و مقوله اضافه محمولی (PEP) مقوله اسمی کوچک (nP) را انتخاب و اسم‌ساز هستند. مشخصه V در اسمواره ملکی و تمام (VP) در اسمواره عاملی به V و سپس برای بازبینی مشخصه اسمی به nP و PEP حرکت می‌کند. اسمواره عاملی مشخصه‌های اسمی بیشتری دارد و نشانه‌ی جمع، معرفگی، ملکی و صفت شمارشی می‌گیرد و با قید حالت نمی‌آید. آرایش نحوی حاصله نمود حصولی یا غایتمند جمله و اسمواره ملکی را به کنشی محدود در اسمواره عاملی تبدیل می‌کند. بنابراین، بررسی ساختار موضوعی اسامی متناظر با افعال دومفعولی در چارچوب رویکرد نحو-محور مقاله نشان می‌دهد که آرایش نحوی موتور محرک مقوله‌بندی، بازنمایی آوایی فوق و بازنمایی معنایی انتقال مالکیت یا مکانی در هر دو اسمواره و جمله متناظر است.

واژه‌های کلیدی: کردی هورامی، ساختار موضوعی/اسامی متناظر با افعال دومفعولی، مقوله‌بندی/آرایش نحوی، بازنمایی معنایی، برنامه‌ی کمینه‌گرایی/صرف توزیعی



۱. مقدمه

هورامی^۱ یکی از گویش‌های زبان کردی از زبان های ایرانی شمال غربی به شمال می رود. سخنوران این گویش در شمال غربی استان کرمانشاه، جنوب و جنوب غربی استان کردستان و شرق استان حلبچه در اقلیم کردستان ساکن هستند و غالباً خود را کرد می‌دانند. در این زبان، در مقابل جمله‌ی بی‌نشان حاوی فعل دومفعولی در (۱) اسمواره‌های متناظر دو ساخت متفاوت به صورت بی‌نشان در (۲) و (۳) وجود دارند^۲

1. (Min) pul-i ma-d-u be aħmað-i

غفا-احمد به اش-م-دادن-پزح ح-مف-پول (من)

"من پولی را به احمد می‌دهم"

2. day-u pul-u m(in) be aħmað-i

غفا-احمد به من اض-مل-پول اض-دادن

"دادن پولم (من) به احمد"

3. pul-day-u min-(i) be aħmað-i

غفا-احمد به غفا-من اض-دادن-پول

"پول دادن بوسیله من به احمد"

چنانکه از داده‌های دو گروه اسمی متمایز در (۲) و (۳) مشهود است، اسم مصدر در هورامی تنها با افزودن پسوند اسم‌ساز زایای -ay- به ریشه‌ی محمول ساخته می‌شود. مقایسه گروه‌های اسمی (۲) و (۳) با جمله‌ی بی‌نشان حاوی فعل دومفعولی دادن=day در (۱) نشان می‌دهد که تغییراتی در مقوله‌بندی^۳، آرایش نحوی^۴، ویژگی‌های ساختوازی و بازنمای معنایی^۵ دو گروه اسمی روی داده‌است. تعیین مقوله، بازنمایی معنایی و پیکره‌بندی نحوی ساختار موضوعی اسمواره‌ها و تحلیل و مقایسه آنها با جملات متناظر در پیشینه‌ی پژوهش‌های زبان‌شناسی مبحثی بحث‌برانگیز است. هنگامی بر این چالش افزوده می‌شود که این مسائل را در ساخت‌های اسمواره‌های متناظر با افعال دومفعولی بررسی کنیم. بنابراین، مقاله حاضر در پی یافتن رویکردی مناسب است تا از مقوله‌بندی، ساختار نحوی و بازنمایی معنایی ساختار موضوعی در این اسمواره‌ها و جمله‌ی متناظر تحلیل یکپارچه‌ی را با کمک برنامه‌ی کمینه‌گرایی و صرف توزیعی^۶ (MP/DM) ارائه دهد. این رویکرد به خوبی می‌تواند نشان دهد که چه عواملی بر مقوله‌بندی، بازنمایی معنایی و ساختار رویدادی^۷، و آرایش نحوی ساختار موضوعی آنها

تأثیرگذار است. بنابراین، مقاله‌ی حاضر بر آن است که به سه سؤال زیر جواب دهد:

۱. مقوله‌بندی اسمواره‌ها و جملات حاوی افعال دومفعولی متناظر و موضوع‌های هر یک در کدام سطح، واژگان، نحو یا پس-نحوی و چگونه با تحلیلی یکپارچه امکان‌پذیر است؟
۲. علت یا علل آرایش نحوی و سلسله‌مراتبی احتمالاً متفاوت ساختار موضوعی در جملات بی‌نشان هورامی و گروه‌های اسمی متناظر با آنها چیست؟
۳. کدام عامل یا عوامل در بازنمایی معنایی موضوع‌ها در داده‌های جمله‌های حاوی افعال دومفعولی و اسمواره‌های متناظر آنها تاثیرگذار است؟

هدف از مقاله حاضر مطالعه ساختار موضوعی شامل شیوه‌ی مقوله‌بندی، آرایش نحوی و بازنمایی معنایی و آوایی اسمواره‌های متناظر با افعال دومفعولی اصلی در کردی هورامی (کریمی دوستان و میرانی ۱۳۹۵) است. این مقاله پس از توصیف و طبقه‌بندی اسمواره‌ها در دو گونه ملکی و عاملی روش نحو-محور برنامه کمینه‌گرایی/صرف توزیعی را برای تحلیل و مقایسه آنها با افعال دومفعولی متناظر مناسب می‌یابد. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که اسامی مشابه با افعال دومفعولی متناظر حامل مقوله فعلی واژگانی^۱ (VP) برای ادغام مشخصه کنش‌رو و مقوله‌ی الحاقی پایین^۲ (AppIP_{low}) برای معرفی هدف یا بهره‌ور مملوک یا مکان است. فاعل جمله در نقش مالک مقوله اضافه ملکی^۳ (EzafP_{poss}) در اسمواره ملکی و همان نقش عامل مقوله جهت^۴ (VoiceP) در اسمواره عاملی ترکیب می‌شود. هسته مقوله زمان^۵ (TP) و مقوله متمم^۶ (CP) جمله‌ساز ولی مقوله اسمی کوچک^۷ (nP) و مقوله اضافه محمولی^۸ (PEP) اسم‌سازند. اسمواره عاملی مشخصه‌های اسمی بیشتری دارد و بازنمایی معنایی نمود حصولی یا غایت‌مند جمله و اسمواره ملکی را به کنشی محدود تغییر می‌دهد. بنابراین، بررسی ساختار موضوعی اسامی متناظر با افعال دومفعولی در چارچوب رویکرد ترکیبی نحو-محور حاضر نشان می‌دهد که آرایش نحوی موتور محرک مقوله‌بندی، بازنمایی آوایی فوق و بازنمایی معنایی انتقال مالکیت یا مکانی در هر دو اسمواره و جمله متناظر است.

ساختار مباحث پیش‌رو بدینگونه است که در بخش دوم به پیشینه‌ی پژوهشی موضوع - پرداخته می‌شود. بخش سوم به طبقه‌بندی و توصیف مشخصه‌های ساختوازی، نحوی و معنایی اسمواره‌ی بی‌نشان مانند (۲ و ۳) متناظر با افعال انتقال مالکیت در جملات بی‌نشان مانند (۱) اختصاص دارد. در این بخش نمونه‌ای از هر یک از دو طبقه‌ی بی‌نشان از اسامی متناظر



افعال دومفعولی بر اساس چارچوب نظری حاضر تحلیل می‌گردد. بخش چهارم به بحث و مقایسه ساختار موضوعی افعال دومفعولی و اسامی متناظر آنها با توجه به سؤال‌های پژوهش حاضر می‌پردازد. بخش پنجم هم جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از یافته‌ها را ارائه می‌دهد.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

مطالعات اندکی در مورد ویژگی‌های متفاوت اسامی در زبان فارسی انجام شده است (مدرسی و نوقی ۱۳۹۴)؛ با این حال، جایگاه پیشینه‌ی پژوهشی اسامی متناظر با افعال دومفعولی در مجموع و بویژه در زبان فارسی در چارچوب رویکردهای نوین زبانشناسی خالی است. پژوهشگرانی همچون چامسکی^{۱۶} (۱۹۷۰)، گرمشاو^{۱۷} (۱۹۹۰)، بورر^{۱۸} (۲۰۰۳، ۲۰۱۳)، هارلی^{۱۹} (۲۰۰۹)، الکسیادو^{۲۰} (۲۰۱۰، ۲۰۰۱) و صدیقی^{۲۱} (۲۰۰۹) مسائل مورد مطالعه در نحو و معنی‌شناسی را از یک طرف و نتایج تحقیقات مربوط به حوزه‌ی ساختواژه بالاخص ظرفیت‌های بالقوه‌ی صرف توزیعی را از طرف دیگر در تحلیل‌های خود از انواع اسم‌سازی‌ها بغیر از اسامی متناظر با افعال دومفعولی مدنظر داشته‌اند. گرمشاو (۱۹۹۰) عملیات اسم‌سازی متناظر با افعال را به دو دسته‌ی اسامی رویدادی پیچیده (حاوی ساختار موضوعی) و نتیجه‌ای (بدون ساختار موضوعی) طبقه‌بندی می‌کند. در این راستا، همبستگی ساختار موضوعی و تعبیر رویدادی در کارهای بورر (۲۰۰۵، ۲۰۱۳)، هارلی (۲۰۰۹) و الکسیادو (۲۰۱۰) با عناوین اسمواره‌های حاوی ساختار موضوعی و ارجاعی بیان شده‌است. در این تحلیل‌ها فرافکنی ساختار موضوعی درون اسمواره‌های متناظر با فعل همچون بازتابی از ویژگی‌های لایه‌ی فعلی نگریسته شده‌است. در این زمینه، هماهنگی با توصیف‌گرهای نمودی در اسمواره‌های حامل ساختار موضوعی به وجود لایه‌ی نقشی فعلی متناظر مربوط می‌گردد و این مقوله‌های نقشی متفاوت بالاتر هستند که اسمواره را از جمله متمایز می‌سازند. یافته‌های این مقاله که در مورد اسمواره‌های متناظر با افعال دومفعولی در هورامی و با استفاده از روش ترکیبی برنامه کمینه‌گرایی/صرف توزیعی انجام شده است به نتایج جالب و نوینی در مورد ساختار موضوعی اسمواره‌های دست یافته و تا حدودی نبود تحقیقات در این زمینه را جبران و از نتایج تحقیقات فوق حمایت می‌کند.

۳. طبقه‌بندی و توصیف اسمواره‌های متناظر با افعال دومفعولی

داده‌های زیر اسمواره‌های متناظر با جمله‌ی حاوی فعل دومفعولی دادن = da در (۱) را در هورامی

به نمایش می‌گذارد. در این گویش تکواژ *-ay* تنها تکواژ اسم‌ساز کاملاً زایایی است که به صورت پسوند به ریشه‌ی فعل افزوده می‌شود. بنابراین، مقاله‌ی حاضر به مطالعه‌ی داده‌های حاوی اسمواره‌های محمولی متناظر با افعال دومفعولی و ساخته‌شده با این تکواژ می‌پردازد.^{۲۲} اسمواره‌های حاوی ساختار موضوعی در زبان‌های ایرانی بیشتر به شکل مقوله‌ی ملکی بازنمود می‌یابند و نقش‌نمای اضافه می‌گیرند. در این رساله با تبعیت از کریمی‌دوستان و باقری (۱۳۹۰) به ساخت اسمواره‌ی دارای ساختار موضوعی **اسمواره‌ی محمولی** گفته می‌شود. به علاوه، از آنجایی‌که از فاعل جمله به هنگام تظاهر در اسمواره (۲) خوانش معنایی مالک در مقوله ملکی و در اسمواره (۳) برداشت عامل یا مسبب استنباط می‌گردد، آنها در این مقاله به ترتیب تحت عناوین اسمواره محمولی ملکی (۲) و اسمواره محمولی عاملی (۳) نام‌گذاری می‌شوند.

مشخصه‌های نحوی: همه‌ی جمله‌ها هورامی صرف‌نظر از زمان آنها می‌توانند به صورت دوگونه اسمواره ساخت ملکی و عاملی بازنمود پیدا کنند. پژوهش حاضر به تحلیل و مقایسه‌ی مقوله‌بندی، ساختار نحوی و بازنمایی معنایی اسمواره ملکی در (۲) و اسمواره عاملی در (۳) با ساختار نحوی جمله‌ی بی‌نشان متناظر در (۱) می‌پردازد.

مشخصه‌های ساختاروی: همانطور که بیان شد در هورامی تکواژ *-ay* به صورت پسوند به ریشه‌ی فعل افزوده می‌شود و اسم‌مصدر را می‌سازد. در ساخت اسمواره‌ی محمولی ملکی (۲) مفعول صریح بعد از اسم‌مصدر قرار می‌گیرد. در بین اسم‌مصدر و مفعول صریح از نشانه‌ی نقش‌نمای حالت اضافه‌ی ملکی /u:/ استفاده می‌شود. اگر مفعول صریح به اسم دیگری اضافه نشود، در انتهای آن نشانه‌ی حالت غیرفاعلی /-i/ می‌آید. اما اگر به اسم دیگری اضافه شود، نشانه‌ی حالت غیرفاعلی آن به تکواژ نقش‌نمای حالت ملکی /u/ تبدیل می‌شود. آن اسم یا گروه اسمی دیگر در (۲) همان موضوع عامل موجود در ساخت افعال دومفعولی است که در ساخت اسمواره‌ی ملکی متناظر به شکل مالک بازنمود می‌یابد. می‌توان از مفعول غیرصریح هم به صورت بی‌نشان در انتهای اسمواره به شکل **پیش اضافه + مفعول غیرصریح** استفاده کرد. در اسمواره‌ی عاملی (۳)، مفعول صریح می‌تواند بدون نشانه‌ی حالت غیرفاعلی به قبل از اسم‌مصدر منضم‌گردد. اگر عامل جمله‌ی متناظر در اسمواره بیاید در نقش همان عامل بعد از نقش‌نمای اضافه‌ی /u/ تظاهر می‌یابد و انتهای کلمه هم نشانه‌ی حالت غیرفاعلی (آبلیک) /i:/ می‌گیرد. از مفعول غیرصریح در ساخت عاملی هم به همان اشکال مشروح در ساخت ملکی استفاده می‌شود.



مشخصه‌های معنایی: در ساخت ملکی (۲) نقش کنش‌رو مفعول صریح در اسامی متناظر باقی می‌ماند. با وجود این، در ساخت عاملی (۳) به سبب انضمام مفعول صریح به جایگاه پیش از مصدر نقش کنش‌رو حذف و به جزئی از ترکیب اسم‌مصدر تبدیل می‌شود. در ساخت ملکی (۲) نقش عامل یا مسبب افعال بصورت مالک در اسامی متناظر تغییر خواهد کرد. با وجود این، در ساخت عاملی (۳) عامل یا مسبب جمله‌ی متناظر در اسمواره در نقش همان عامل یا مسبب ظاهر می‌شود. در هر دو ساخت اسمواره مفعول غیرصریح در نقش هدف و بهره‌ور مالکیت (یا هدف انتقال مکان) در اسمواره‌ها با توجه به نوع فعل و حرف اضافه‌ی بعد از آن تظاهر پیدا می‌کند.^{۲۳}

۴. تحلیل اسمواره‌های متناظر با افعال دومفعولی

این بخش به چگونگی تحلیل و مقایسه‌ی مشخصه‌های دو دسته از اسامی متناظر با جمله‌ای از افعال دومفعولی اصلی برای بیان انتقال مالکیت مانند "دادن = day" می‌پردازد.^{۲۴} نتایج حاصل از این تحلیل‌ها را می‌توان به اسامی متناظر با نوع دوم افعال دومفعولی یعنی افعال انتقال مکانی هم تعمیم داد. جمله نمونه حاوی یکی از افعال انتقال مکانی یعنی "گذاشتن = nieray" در (۴) و دو نوع اسامی ملکی و عاملی متناظر با آنها به ترتیب در (۵-الف) و (۵-ب) نشان داده می‌شوند:

(۴) ساخت جمله‌ی انتقال مکانی

Šeme pul-ta niar-de bank-ana

حکم-بانک دشج-رگگذاشتن مرضا-پول شما

"شما پول را در بانک گذاشتید"

(۵-ب) ساخت اسمواره‌ی معمولی عاملی

nierda-u pul-u šeme-i bank-ana

(حکم)-بانک غفا-شما حمف-پول اض-گذاشتن

"گذاشتن پول شما در بانک"

(۵-الف) ساخت اسمواره‌ی معمولی ملکی

pulnierda-u šeme-i bank-ana

(حکم)-بانک غفا-شما اض-گذاشتن پول

"پول گذاشتن در بانک بوسیله شما"

بنابراین، مراحل مقوله‌بندی، آرایش نحوی و بازنمایی آوایی و معنایی جمله‌ی حاوی فعل دومفعولی بیانگر انتقال مالکیت "دادن = day" و اسمواره‌ی معمولی ملکی متناظر آن در چارچوب نظری برنامه‌ی کمینه‌گرایی/صرف توزیعی (صدیقی ۲۰۰۹، هارلی ۲۰۱۲) و انوشه (۱۳۹۴) اجراء می‌شوند. در صورت وجود بعضی از مراحل متفاوت ساخت عاملی با ساخت

ملکی این تفاوت بعد از توضیح ساخت ملکی ذکر می‌شود.

۴-۱. مقوله‌بندی و آرایش نحوی

مراحل مقوله‌بندی، آرایش نحوی نمونه‌ی بی‌نشانی از جملات حاوی یکی از افعال دومفعولی انتقال مالکیت یعنی "دادن = day" در (۱) با دو نوع اسمواره‌ی بی‌نشان متناظر آن یعنی اسمواره‌ی ملکی در (۲) و اسمواره‌ی عاملی در (۳) مقایسه و تحلیل می‌شود. جمله‌ی فوق‌الذکر (۱) در (۶) و دو نوع اسمواره‌ی ملکی (۲) و عاملی (۳) مذکور به ترتیب در (۷-الف) (۷-ب) تکرار می‌شوند.

(۶) ساخت جمله‌ی انتقال مالکیت

(min) pul-i ma-d-u be ahmaḏ-i

غفا-احمد به اش-م-دادن-پزح ح-مف-پول-من

"من پولی را به احمد می‌دهم"

(۷-ب) ساخت اسمواره‌ی محمولی عاملی	(۷-الف) ساخت اسمواره‌ی محمولی ملکی
pul-day-u min-i be ahmaḏ-i	da-u pul-u min be ahmaḏ-i
غفا-احمد به غفا-من اض-مل-دادن-پول	غفا-احمد به من اض-مل-پول اض-دادن
"پول دادنم (من) به احمد"	"دادن پول بوسیله من به احمد"

۱. ریشه‌ی انتزاعی [DA] √ همراه با دیگر مشخصه‌ها برای جمله و اسمواره‌های متناظر در شمارگان زبان (فهرست شماره ۱) وجود دارند و وارد بخش آرایش نحوی می‌شوند.

۲. در آرایش نحوی عملیات ادغام، حرکت و مطابقه بر روی ویژگی‌ها و ریشه جهت حذف مشخصه‌های غیرقابل‌تعبیر در جمله‌ی (۶) به صورت نمودار درختی (۸)، در اسمواره‌ی ملکی (۷-الف) به شکل نمودار درختی (۹-الف) و در اسمواره‌ی عاملی در نمودار درختی (۹-ب) اعمال می‌گردد. در این راستا، الگوریتم مقوله‌سازی عملیات زیر را در بخش آرایش نحوی اجراء می‌کند:

الف. ریشه‌ی √DA با مشخصه تکواژ مقوله‌ساز V ادغام و به صورت فعل V مقوله‌بندی می‌شود. در چارچوب رویکرد حاضر، در اسمواره‌های محمولی هورامی هم لازم است ابتدا ریشه با مشخصه مقوله فعلی ترکیب گردد تا مشخصه مفعول صریح در متمم آن ادغام و

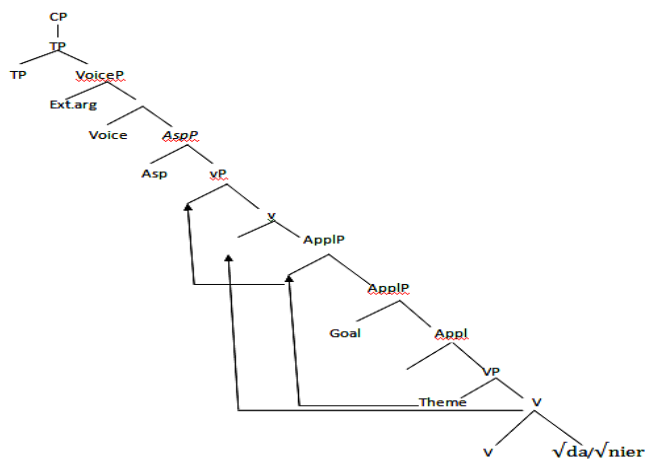


مشخصه موضوع غیرصریح هم در هسته دوم ApplP پایین‌تر از مقوله فعلی سبک در آرایش نحوی تظاهر یابد.

ب. در جمله و اسامی، مشخصه فعل V به یک مفعول صریح نیاز دارد. بر اساس این فرض که هر موضوع به وسیله هسته‌ای به ساختار نحوی معرفی می‌شود (باورز^{۲۵}: ۱۹۹۷: ۲۰۱۱)، هسته‌ی دوم V مفعول صریح را به ساختار نحوی معرفی می‌کند. مقوله‌ی VP در آرایش نحوی جمله و اسامی تشکیل می‌شود. مفعول صریح تنها در جمله (۸) دارای مشخصه‌ی حالت تعبیرناپذیر است که هسته‌ی دوم VP آن را بازبینی و حذف می‌کند. از طرف دیگر، هسته‌ی VP در اسمواره‌ها (۹-الف و ب) و حتی در جملات گذشته (الگوی حالت کنایی) قادر به بازبینی مشخصه حالت مفعولی نیست و مفعول صریح در اسمواره ملکی دارای حالت غیرفاعلی و در عاملی بدون حالت است.

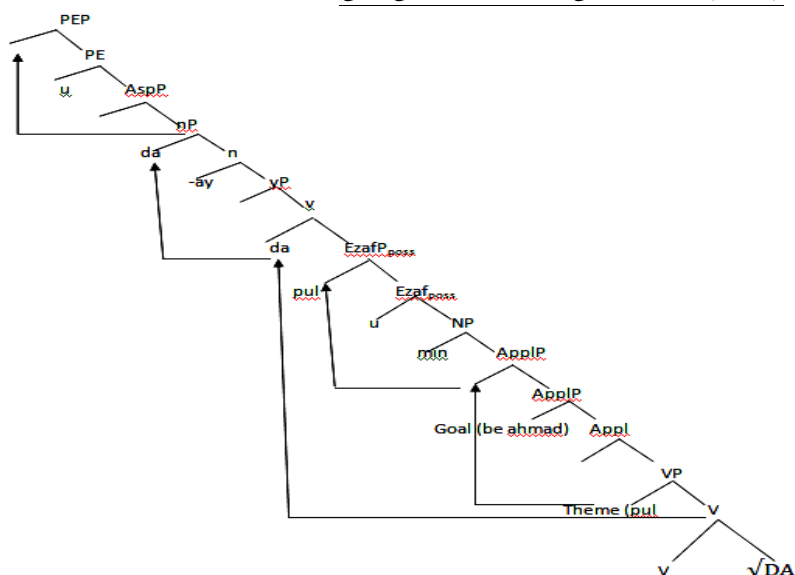
ج. آرایش نحوی VP با مقوله‌ی الحاقی پایین ApplP (پیلکانن^{۲۶}: ۲۰۰۸) ادغام می‌گردد. هسته‌ی ApplP مفعول غیرصریح را به جایگاه ادغام دوم معرفی می‌نماید. این مقوله مشخص‌گر دیگری را در جمله برای گذرگاه حرکت مفعول صریح جهت بازبینی حالت مفعولی در جمله و حالت غیرفاعلی در اسمواره‌ها و برای دستیابی به ترتیب خطی ترکیب می‌کند (بوشکویچ^{۲۷}: ۲۰۰۷).

(۸- نمودار درختی جمله‌ی حاوی فعل دومفعولی)



ذ. در دو نوع اسمواره، مشخصه گروه فعلی پوسته‌ای (VP) نیز هماهنگ با بسیاری از متون پژوهشی بدون حضور مقوله زمان وارد آرایش نحوی می‌شود. در مقابل، به سبب حضور موضوع رویداد در اسمواره‌ها (مینورن^{۲۸} ۲۰۱۳) و اصالت اسامی نسبت به افعال (لوک^{۲۰۰۵}) می‌توان برای مقوله‌سازی اسمی به جای مقوله فعلی کوچک (VP) از مقوله اسمی کوچک (nP) در آرایش نحوی اسموارها استفاده کرد.

۹-الف) نمودار درختی اسمواره‌ی معمولی ملکی



س. در جمله زمان حال در حال بررسی، مشخصه‌ی قوی فعلی باعث حرکت فعل واژگانی از هسته‌ی V به جایگاه هسته‌ی گروه فعلی پوسته‌ای یعنی v می‌شود. هسته‌ی دوم VP حالت مفعولی را بر روی مفعول صریح در هسته دوم آن بازبینی می‌کند. در اسمواره‌های ملکی به مثابه افعال زمان گذشته حالت مفعولی و عاملی نمی‌تواند به وسیله هسته VP ارزش‌گذاری شود؛ در نتیجه، تکواژ ی بعد از مفعول صریح یا مالک بر اساس استدلال‌های نشان‌گر حالت غیرفاعلی برای حفظ ارزش‌گذاری حالت در موضوع‌های درونی است (کریمی ۲۰۱۵). به علاوه، در اسمواره ملکی به سبب نبود مقوله زمان و به تبع آن مقوله CP حالت فاعلی بر روی مفعول صریح یا فاعل قابل بازبینی نیست. در اسمواره‌ی عاملی تمام مقوله VP به صورت یکجا به

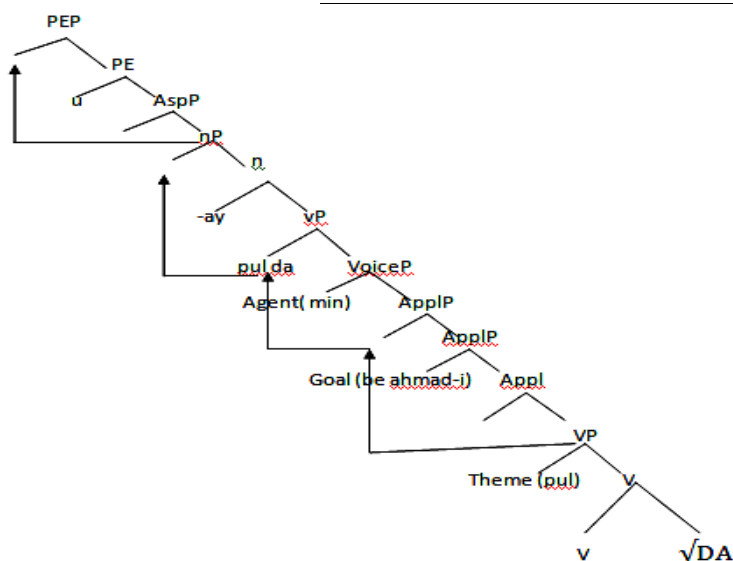


هسته‌ی گروه فعلی پوسته‌ای انضمام پیدا می‌کند. در این اسمواره، به دلیل آنکه مفعول صریح به جایگاه قبل از ریشه انضمام پیدا کرده است بدون نشانه‌ی حالت است و نیاز به بازبینی ندارد (بیکر^{۲۰} ۱۹۸۸). تکواژ \bar{I} هم بعد از فاعل جمله که در نقش عامل (کنش‌گر) اسمواره عاملی ظاهر می‌شود نشان‌گر حالت غیرفاعلی در این موضوع درونی است.

ش. آنچه که آرایش نحوی گروه فعلی را به گروه اسمی در اسمواره ملکی تبدیل می‌کند این است که (VP) با هسته نقشی گروه مقوله‌ساز nP ترکیب و وارد رابطه‌ی مطابقت می‌شود^{۳۱}. تکواژ اسم‌ساز ay- در هسته‌ی آن حضور مشخصه ریشه‌ی فعل دارای مشخصه‌ی تعبیرناپذیر n را در هسته‌ی حاصل از ادغام دوم الزامی می‌نماید. بنابراین، مشخصه‌ی ریشه‌ی فعل از هسته‌ی VP به هسته‌ی nP حرکت می‌کند. در اسمواره‌ی عاملی نیز تمام گروه فعلی یعنی مفعول صریح به صورت منضم به فعل برای تبدیل به مقوله اسمی به هسته‌ی nP حرکت می‌کند^{۳۲}.

د. در جمله و اسمواره‌ها، مقوله‌ی نمود^{۳۳} (AspP) برای رمزگذاری و معرفی ساخت رویدادی حاصل با بقیه‌ی ساختار ادغام می‌شود. هسته‌ی مقوله‌ی نمود، ریشه و سایر مقوله‌های نقشی حاصل از فاز VP را به صورت حصولی رمزگذاری می‌کند. در اسمواره‌ی عاملی این هسته دارای مشخصه‌ی +bound با نتایج خاصی برای آن است.

۹-ب) نمودار درختی اسمواره‌ی محمولی عاملی



ذ. در جمله، گروه VoiceP برای معرفی موضوع برونی ترکیب می‌شود. در اسمواره‌ها گروه اضافهی محمولی (PEP) ادغام می‌شود. هسته‌ی این مقوله یعنی تکواژ نقش‌نمای اضافی (u) دارای مشخصه‌ی اسمی [+N] است که حضور گروه اسمی (pul)day را برای ارضاء آن در هسته‌ی دومین ایجاب می‌کند. اکنون آرایش نحوی اسمواره کامل است.

ل. در پایان در جمله، هسته‌ی مقوله‌ی زمان با مقوله‌ی جهت ادغام می‌گردد. هسته‌ی مقوله‌ی زمان دارای مشخصه‌ی تعبیرناپذیر زمان و مشخصه قوی فرافکنی گسترده^۳ (EPP) است. برای حذف مشخصه EPP نخستین گروه اسمی مجاز همراه با فعل واژگانی به هسته‌ی گروه زمان تحت فرایند حرکت و ادغام مشخصه‌های کپی افزوده می‌شود. در اسمواره‌ها، مقوله‌ی TP و به تبع آن CP وجود ندارد زیرا ریشه محمول با تکواژ اسم‌ساز -ay پیش‌تر از تکواژ زمان گذشته a ترکیب می‌گردد.

۳. آرایش نحوی اکنون در نقطه‌ی بازنمون قرار دارد و از آنجا برای تعبیر به دو حد واسط صورت منطقی و صورت آوایی به ترتیب زیر ارسال می‌گردد.



۴-۲. بازنمایی آوایی

از نقطه‌ی بازنمون تا رسیدن به صورت آوایی فرایندهای ساختواژی و آوایی زیر بر روی گره‌های پایانی حاصل از آرایش نحوی انجام می‌گیرد.

۱- از ساخت نحوی جمله و اسمواره‌های دارای محمول day نتیجه می‌گیریم که هریک برای زیرمجموعه‌ای از مشخصه‌های موجود در گره‌پایانی مشخص می‌شوند.

۲- رویکرد نظری حاضر شامل الگوی فرومشخص‌شدگی مقوله‌بندی است. بنابراین، عنصر واژگانی که فاقد تخصیص ظاهری یکی یا چند تا از مشخصه‌های [V]، [v] یا [Voice] برای جمله و [Ezaf_{poss}]، [v]، [Asp]، [V]، [N]، [App] و [Voice] برای اسمواره‌ها باشد هنوز هم عنصر واژگانی ممکن است. تحت اصل اجبار ساختاری یک یا چند تا از موضوع‌های هر محمول می‌تواند در آرایش نحوی حذف و در دایره‌ی المعارف در بخش‌های پسا-نحوی بازیابی گردد. به طور کلی، وجود مشخصه‌های [√da]، [PRESENT]، [AppI] برای تمایز زمان حال از گذشته و نوع فعل در جمله و وجود مشخصه‌های [PEP]، [√da] برای تمایز این اسم از اسامی مصدر دیگر در اسمواره ضروری است.

۳- اشتقاق جمله و اسمواره‌ها آماده‌ی تخصیص محمول مورد نظر به گره‌پایانی حاوی ریشه و مشخصه‌های لازم آن و سایر موضوع‌ها از راه عملیات ادغام ساختواژی از فهرست عناصر واژگانی (شماره ۲) برای هر یک می‌شود. بنابراین، تظاهر آوایی محمول و موضوع‌های آن هم در جمله و هم در دو نوع اسمواره متناظر آن از فهرست عناصر واژگانی در گره‌های پایانی مربوطه برای هر کدام درج می‌گردد.

۴. در جمله، مفعول صریح "پول" به قبل از فعل حرکت کرده است و مفعول غیرصریح هم در جایگاه آرایش نحوی ثابت می‌ماند و ترتیب خطی (۱۴) به دست می‌آید. در اسمواره‌ها هم ترتیب خطی از روی ساخت سلسله مراتبی آرایش نحوی به شکل (۱۵) و (۱۶) بازخوانی می‌گردد.

(14) (Min) pul da be Ahmad(15) da pul min be Ahamd

(16) pul da min be Ahamd

۵. در جمله، نشانه‌ی حالت مفعولی i- بعد از مفعول صریح "پول"، نشانه‌ی زمان حال ساده ma- قبل از ریشه‌ی "دا"، تکواژ نمایانگر مطابقت اول شخص مفرد یعنی u- بعد از محمول "دا" و نشانه‌ی حالت به‌ای i- در پایان مفعول غیرصریح "به احمد" به شکل (۱۷) درج می‌شوند.

در اسمواره‌ها هم تکواژ اسم‌ساز -ay بعد از ریشه‌ی da، نشانه‌ی حالت غیرفاعلی -i بعد از مفعول صریح "پول" یا "پول من" و سپس تبدیل -i به نشانه‌ی حالت ملکی u- پس از اضافه شدن min در نقش مالک بعد از pul یا در نقش عامل بعد از pul day و نشانه‌ی حالت غیرفاعلی بعد از مفعول غیرصریح در (۱۸) و (۱۹) درج می‌شود.

(17) (min) pul-i ma-d-u be Ahmad-I (18) day-u pul-u min be Ahmad -i

(19) pul day-u min be Ahmad -i

۶. بازنمود ساختاری آوایی بالا بعد از آنکه در معرض قواعد واژگونی هورامی قرار بگیرند، از لحاظ آواشناختی با کتترهای نواختی، استرس و گزینش گونه‌ی آوایی دقیق در جمله به صورت (۲۰) و در اسمواره‌ها به شکل (۲۱) و (۲۲) تعبیر می‌شوند.

(20) ['min puli: 'mæðu bæ æh'maði:] (21) ['dæi u: pu:lu: 'min bæ æh'maði:]

(22) [pu:l'dæi u: 'min bæ æh'maði:]

۳-۴. بازنمایی معنایی

مشخصه‌های انتزاعی در صورت منطقی به صورت محمول و ساختار موضوعی در جمله و دو اسمواره متناظر آن تعبیر می‌شوند. علل بازنمایی معنایی متفاوت را هم باید در تفاوت نوع ریشه‌ی انتزاعی محمول، نوع و جایگاه نحوی مقوله‌های محمول و موضوع‌ها و سایر مشخصه‌های نقشی و فرایندهای نحوی دخیل در آرایش نحوی جستجو کرد. به این معنی که تفاوت این ویژگی‌ها باعث تفاوت در بازنمود نو-دیویدسونی (هایم و کراتزر^{۳۵} ۱۹۹۸) و تفاوت در ساختار رویدادی حاصل از آن‌ها می‌گردد. ساختار رویدادی افعال دومفعولی هم به شکل انتقال مالکیت یا انتقال مکانی در اسمواره‌ی متناظر بازتاب می‌یابد. ساختار رویدادی از دو جزء شامل مجموعه‌ی کوچکی از رویدادهای بنیادی نشان‌گر کنش (عمل) در (۲۳a) و سبب تغییر حالت (شدن) در (۲۳b) و شماری از ریشه‌های مفهومی تشکیل می‌شود.

(23) a. [x ACT<ROOT>]

b. [[x ACT] CAUSE [y BECOME < ROOT >]]

c. *[[x ACT<ROOT>] CAUSE [y BECOME < ROOT >]]

بر اساس روش بازنمایی معنایی در چارچوب نظری، ابتدا صورت منطقی نو-دیویدسونی برای گزاره‌های حاوی افعال دومفعولی و اسامی متناظر در حد واسط نحوی-معناشناختی محاسبه و سپس قواعد تعبیر معناشناختی ترکیبی به طور مستقیم بر صورت منطقی اعمال می‌شود. رابطه‌ی ساختار رویدادی حصولی بین رویدادها از بازنمایی معنایی افعال طبقه‌ی



"دادن" به صورت انتقال مالکیت یعنی انتقال مال از مالک اول به مالک بعدی در بین مقوله ApplP و VP از روی تغییر منطقی بازنمایی می‌شود. بنابراین، صورت منطقی نو-دیویدسونی برای آرایش نحوی جمله‌های حاوی افعال دومفعولی به شکل (۲۴) در زمان حال بازنمایی می‌شود.

(24). At(utterancetime, (i)λi[∃e[DA(e, Agent: min. Theme: pul. Possoser: Ahmad)] & DURING(e, i)]

در چنین جمله‌های افزودن رویداد مقید و کرانمند در متمم v به کرانمندی ساخت رویدادی پیچیده‌ای شامل زیررویداد فرایندی، سببی و زیررویداد پیامدی در (۲۵) می‌انجامد. از صورت منطقی بالا وضعیت پیامدی (۲۶) بر اساس هوا و لوین^{۳۶} (۲۰۰۸: ۱۳۰) از آن استنباط می‌شود.

(25). [[x ACT] CAUSE [BECOME [y GO<POSS-TYPE> z]]]

(26). [[x ACT] CAUSE [BECOME [y <RES-STATE>]]]

بر اساس قواعد آرایش نحوی، صورت منطقی نهائی نو-دیویدسونی برای اسمواره‌های معمولی متناظر افعال دومفعولی هم به شکل (۲۷) است.

(27) ∃e. [DA (e, initial possesor: min. Theme: pul. ben possesor: Ahmad)]

ساخت رویدادی جمله و اسمواره‌ها تنها از روی تعامل مشارکان و موضوعها با محمول و با همدیگر به دست می‌آید. بر این اساس، بازنمایی معنایی حاصل از تعبیر نو-دیویدسونی اسمواره ملکی بیانگر این نکته است که سور مبهم و نهانی سبب می‌شود که احمد (مالک بهره-ور) به پول من (مالک اولیه) در (۲۸) حصول و دسترسی پیدا کند. در اسمواره ملکی شخص معینی عامل یا مسبب این انتقال مالکیت نیست. در اسمواره عاملی، انضمام مفعول صریح به اسم مصدر رویدادهای "شدن" و "وضعیت نتیجه" را حذف و بر اساس آزمون‌هایی نمود حصولی را از کرانمند به ناکرانمند و در نتیجه به نمود "کنشی" یا "فعالیتی" تبدیل می‌کند. تفاوت نمود اسمواره‌ی ملکی و جمله در نبود کنش‌گر (x) و کنش (ACT) در اسمواره است. زیررویداد "وضعیت پیامد" در اسمواره ملکی به مثابه‌ی جمله‌ی متناظر آن به صورت () وجود دارد. با اینحال، ساختار رویدادی انتقال مالکیت به صورت انتقال مال از مالک اول به مالک دوم در هر دو اسمواره به مانند جمله متناظر آنها باقی می‌ماند.

(28) [CAUSED [BECOME [y HAVE<POSS-TYPE> z]]]

(29) [CAUSED [BECOME [y <RES-STATE>]]]

اشتیاق حاصل از بازنمایی آوایی و بازنمایی معنایی فوق‌الذکر در حد-واسط مفهومی دوباره به

هم می‌رسند و ویژگی‌های حاصل از صورت منطقی و معناشناسی ریشه در دایره‌المعارف (فهرست شماره ۳) به صورت گزاره حاصله در جمله یا هر یک از اسمواره‌ها تعبیر می‌شوند.

۴-۴. مقایسه‌ی اسمواره‌ی عاملی و ملکی

۱. بر اساس مفروضات رویکرد نظری، ساختار موضوعی از فرافکنی نقشی VP موجود در آرایش نحوی به دست می‌آید. از آنجائی که اسمواره‌ی عاملی هم ساختار موضوعی دارد حضور فرافکنی نقشی گروه فعلی سبک در ساختار نحوی آن بر اساس استدلال‌های که پیشتر ذکر شد امری اجتناب‌ناپذیر است. مسلم است آنچه که گروه فعلی را به گروه اسمی یا به جمله تبدیل می‌کند حضور مقوله‌های نقشی بالاتر در آرایش نحوی است. در اسمواره‌ها گروه فعلی (VP) با هسته نقشی گروه مقوله‌ساز nP ترکیب و وارد رابطه‌ی مطابق می‌شود. تگواژ اسم‌ساز ay- در هسته‌ی آن حضور مشخصه ریشه‌ی فعل دارای مشخصه‌ی تعبیرناپذیر n را در هسته‌ی حاصل از ادغام دوم الزامی می‌نماید. بنابراین، مشخصه‌ی ریشه‌ی فعل به تنهای یا همراه با اسم مفعول منضم به آن از هسته‌ی VP به هسته‌ی nP حرکت می‌کند. سپس در اسمواره‌ها گروه اضافه‌ی محمولی (PEP) با ساختار قبلی ادغام می‌شود. هسته‌ی این مقوله یعنی تگواژ نقش‌نمای اضافی (u) دارای مشخصه‌ی [+N] است که ایجاب می‌کند گروه اسمی (pul)day برای ارضاء مشخصه-ی [EPP] در هسته‌ی حاصل از ادغام دومین حضور داشته باشد.

۲. در آرایش نحوی اسمواره‌ی عاملی به سبب انضمام موضوع کنش‌رو به فعل بخشی از آن می‌گردد. موضوع کنش‌رو دیگر نیازی به نشانه‌گذاری حالت مفعولی و مطابقت یا حرکت به جایگاه ادغام دوم ۷ ندارد (بیکر ۱۹۸۸). بنابراین، همه‌ی فرافکنی (VP) ابتدا به هسته‌ی ۷ کوچک و سپس به هسته‌ی دوم PEP برای انجام سایر فرایندهای نحوی مشروح در آرایش نحوی ساخت ملکی (۸b) در نمودار درختی اسمواره‌ی عاملی (۹b) حرکت می‌کند.

۳. برخلاف اسمواره‌ی ملکی، اسمواره عاملی دارای مشخصه‌های اسمی بیشتری است و علامت جمع، معرفگی، صفات شمارشی و نشانه‌ی ملکی می‌گیرد و همراه با قید حالت بدساخت است.

۴. به علت وجود نشانگرهای اسمی موجود در (۷-ب)، گروه نقشی نمود (AspP) در اسمواره‌ی عاملی می‌تواند با ویژگی +bound نشانه‌گذاری شود. به سبب آنکه این ویژگی گروه مشخصه‌ها را کنترل می‌کند، مقوله‌ی به نام مقوله مشخصه‌ها^{۳۷} (FP) می‌تواند نشانگرهای



شمار مفرد یا جمع و معرفگی و ... را بر روی اسممصدر عاملی به مانند جمله زمان حال بازبینی نماید. آرایش نحوی (۹-ب)، ساخت اسمواره‌ی عاملی متناظر با جمله انتقال مالکیت را در نمودار (۸) به نمایش می‌گذارد. این ساختار به اسمواره‌های عاملی متناظر با افعال انتقال مکانی نیز قابل‌تعمیم است.

۵. در بازنمایی آوایی اسمواره عاملی هم‌نیازی به مطابقت کنش‌رو با اسممصدر و نشانه‌گذاری حالت غیرفاعلی نیست. سایر مراحل بازنمایی آوایی این ساختار به مثابه‌ی ساختار ملکی است.

۶. بازنمایی معنایی ساختار اسمواره‌ی ملکی دارای تفاوت‌های با ساختار اسمواره‌ی عاملی است. انضمام مفعول صریح به اسممصدر رویدادهای "شدن" و "وضعیت نتیجه" را حذف و ساختار رویدادی حصولی را از کرانمند به ناکرانمند محدود و در نتیجه به نمود "فعالیتی" تبدیل می‌کند. به‌علاوه، به سبب حضور رویداد "کنش" در اسمواره عاملی از فاعل جمله همان تعبیر کنش‌گر یا مسبب در جایگاه هسته‌ی مقوله جهت در پایین گروه فعلی سبک به دست می‌آید. با اینحال، ساختار رویدادی هر دو اسمواره به مثابه جمله متناظرشان به سبب حضور مقوله الحاقی پایین در همه بیانگر انتقال مالکیت یا مکان است.

۴-۵. مقایسه‌ی ساختار موضوعی دو اسمواره و جمله

برای پاسخ به سه سؤال مطالعه باید گفت که مقوله‌بندی ساختار موضوعی جمله و اسمواره‌ها به صورت یکپارچه در بخش آرایش نحوی انجام می‌شود. با اینحال، بازنمایی آوایی ساختار موضوعی در بخش صورت آوایی و بازنمایی معنایی آن در بخش صورت منطقی و بیشتر از این در دایره‌المعارف تکمیل می‌گردد. بنابراین، مقوله‌بندی، آرایش نحوی و بازنمایی معنایی فعل یا اسمواره در این چارچوب نظری طوری در هم تنیده‌اند که تعیین مرزی برای تحلیل جداگانه‌ی آنها دشوار است. افعال بیانگر رویداد یا وضعیت ایستایی هستند؛ درحالی‌که، اسامی به افراد و عناصر اشاره می‌کنند. افعال شاخص‌های خاصی مانند تصریف مطابقت شخص، شمار، زمان، نمود و وجه را دریافت می‌کنند. درحالی‌که، اسامی نشانگرهای شمار، معرفگی و... را می‌گیرند. بنابراین، اسامی از یک طرف دارای ویژگی‌های ساختار نحوی و معنایی افعال متناظر و از طرف دیگر دارای مشخصه‌ها و نشانگرهای اسمی هستند. در این راستا، اسمواره‌های حامل ساختار موضوعی این مطالعه حاوی ساختار نحوی فعلواره‌ی متناظر هستند تا بتوانند

موضوع‌های درونی فعلی یعنی مفعول صریح و مفعول غیرصریح را فرافکنی نمایند. تنها مشخصه‌های ساختواژی-نحوی انتزاعی در رویکرد نظری حاضر از شمارگان وارد بخش آرایش نحوی می‌شوند. آرایش نحوی بر روی این مشخصه‌ها تغییر و تحولاتی انجام می‌دهد. نحو از این مشخصه‌ها مقوله‌های لازم شامل محمول فعلی یا اسمی و موضوع‌های آنها را می‌سازد. نحوه‌ی معرفی مشخصه‌ها، تعداد و تنوع آنها و جایگاه آنها در آرایش نحوی، مقوله‌بندی، و به تبع آن دو در بازنمایی معنایی مقوله‌های حاصله تأثیرگذار است. از این لحاظ مقوله‌بندی، آرایش نحوی و بازنمایی معنایی ساختار موضوعی جمله‌های حاوی افعال دومفعولی دارای شباهت‌ها و تفاوت‌های با اسامی متناظر به شکل زیر است:

۱. در هر دو ریشه‌ی محمول با هسته‌ی مقوله‌ساز فعلی در آرایش نحوی ادغام می‌شود. سپس مشخصه انتزاعی کنش‌رو در جایگاه هسته‌ی حاصل از ادغام دوم مقوله‌ی فعلی (VP) به آرایش نحوی معرفی می‌شود. فراتر از این، مقوله‌ی الحاقی (AppP) در تمام جمله‌های دارای افعال دومفعولی و اسمواره‌های متناظر با مقوله‌ی VP ادغام می‌شود. مشخصه‌ی مفعول غیرصریح هم در هسته‌ی دوم مقوله‌ی الحاقی به آرایش نحوی معرفی می‌گردد. به علاوه، هسته‌ی مقوله AppIP رابطه‌ی معنایی انتقال مالکیت (یا انتقال مکانی) بین موضوع الحاقی مالک (یا حامل) با ملک (یا مکان) را برقرار می‌سازد. تا این مرحله مقوله‌بندی و بازنمود نحوی محمول و موضوع‌ها در جمله و اسمواره‌ها با هم تناظر یک به یک دارند.

۲. از این مرحله به بعد در جمله این مقوله‌ی VP است که ابتدا به آرایش نحوی اضافه می‌گردد. مقوله انتزاعی فعلی تحت فرایند حرکت هسته به هسته از هسته‌ی V به هسته V حرکت می‌کند. موضوع کنش‌رو هم در جمله برای دریافت حالت مفعولی به جایگاه ادغام دوم V حرکت می‌کند و با آن وارد رابطه‌ی مطابقت می‌گردد. سپس مقوله‌ی نقشی مشترکی به نام گروه نمود (AspP) ساخت رویدادی VP را در جمله مورد بررسی به صورت حصولی غیربازگشتی بازنمایی می‌کند. با این وجود، مقوله‌ی VoiceP در جمله برای بازبینی حالت عاملی موضوع برونی در آرایش نحوی ادغام می‌گردد. این مقوله‌ی نقشی زمان (TP) و به تبع آن CP است که در جملات گروه فعلی را به جمله تبدیل می‌کند. حضور مشخصه‌ی EPP در هسته‌ی مقوله‌ی زمان باعث حرکت عامل به جایگاه هسته‌ی دوم می‌گردد. به علاوه، به نظر می‌رسد که فعل کمکی یا اصلی به دلیل قوی بودن مشخصه‌ی تصریف در زمان حال جملات هورامی می‌تواند از



درون گروه فعلی خارج شود و به گره متناظر بالاتر یعنی بازبین آن یعنی مقوله زمان بر اساس مشابه فارسی (درزی و انوشه ۱۳۸۹) ارتقا یابد. بازنمایی معنایی حاصل از ساخت رویدادی جملات دومفعولی به صورت انتقال مالکیت (یا انتقال مکانی) است

۳. در اسمواره ملکی، دو مقوله‌ی نقش‌ی گروه اسمی (NP) برای معرفی مالک و مقوله‌ی اضافه‌ی ملکی (EzaPf_{Poss}) برای معرفی ملک وارد آرایش نحوی می‌شود. موضوع مالک در اسامی همان موضوع عامل یا مسبب در افعال متناظر است. در اسمواره‌ی عاملی هم، کنش‌گر جمله با همان معنی ولی در پایین گروه الحاقی در آرایش نحوی ادغام می‌شود. پس از این، مقوله‌ی فعلی پوسته‌ای (VP) در آرایش نحوی اسامی معرفی می‌شود. در اسامی ملکی تنها مقوله V، و در اسامی عاملی همه‌ی مقوله VP شامل اسم مفعول صریح (کنش‌رو) با حالت منضم به فعل (V) به هسته v حرکت می‌نماید. در هر دو اسمواره این مقوله‌ی اسم‌ساز (nP) با تکواژ -ay در هسته‌ی آن است که به آرایش نحوی معرفی می‌شود و گروه فعلی را به صورت گروه اسمی تغییر می‌دهد. هسته‌ی این مقوله، مشخصه یا ساختواژه فعلی را در ساخت اسمواره‌ی ملکی یا به صورت مفعول انضمام یافته به آن به هسته‌ی ادغام دوم خود جذب می‌کند.

در ادامه، مقوله‌ی نقش‌ی مشترکی به نام گروه نمود (AspP)، ساختار رویدادی حاصله از بازنمود نو-دیویدسونی را به صورت حصولی غیربازگشتی در اسامی ملکی همانند جملات ولی به صورت فعالیت‌ی ناکرآنمند در اسامی عاملی بازنمایی می‌کند. با اینحال، به سبب حضور رویداد "کنش" در اسمواره عاملی از کنش‌گر (min) در هسته مقوله جهت‌منتها پایین‌تر از VP تعبیر همان معنایی کنش‌گر استنباط می‌شود. مقوله‌ی نقش‌ی دیگر به نام گروه اضافه‌ی محمولی (PEP) در آرایش نحوی ادغام می‌شود تا فرایند ساختن اسمواره را کامل نمایند. تکواژ اضافه (u) با مشخصه‌ی [+N] در هسته‌ی گروه (PEP) باعث حرکت اسم‌مصدر به تنهایی در اسامی ملکی یا همراه با کنش‌رو در اسامی عاملی به هسته‌ی دوم خود می‌گردد. ساختار رویدادی نهایی انتقال مالکیت (یا مکانی) در هر دو اسمواره شبیه به جمله متناظر در نتیجه حضور مقوله الحاقی پایین باقی می‌ماند.

از نقطه‌ی بازنمون تا رسیدن به صورت آوایی هم عملیاتی همانند ادغام ساختواژی، همجوشی، حرکت و سایر فرایندهای آوایی بر روی گره‌های پایانی حاصل از آرایش نحوی در

جمله و اسمواره‌ها انجام می‌گیرد. برای بازنمایی آوایی، هر محمول و موضوع‌های آن برای زیرمجموعه‌ای از مشخصه‌های گره‌پایانی خود مشخص می‌شوند تا عنصر واژگانی موجود در فهرست عناصر واژگانی با تبعیت از اصل فروم‌مشخص‌شدگی در گره‌پایانی درج‌شود. در پایان، مقوله‌بندی محمول و موضوع‌ها به صورت جمله یا اسمواره در صورت آوایی کامل می‌شود.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در چارچوب نظری این مطالعه مقوله‌بندی ساختار موضوعی همگام با آرایش نحوی آن آغاز می‌شود و در مراحل پس‌انحوی در سطح صورت منطقی جهت بازنمایی معنایی و سطح صورت آوایی جهت بازنمود آوایی کامل می‌شود. در جمله این مقوله‌ی نقشی زمان (TP) و به تبع آن CP است که گروه فعلی را در آرایش نحوی به جمله تبدیل می‌کند. حضور مشخصه‌ی EPP در هسته‌ی مقوله‌ی زمان باعث حرکت موضوع برونی به جایگاه هسته‌ی دوم می‌گردد. برخلاف جملات، این مقوله‌ی اسم‌ساز (nP) با تکواژ ay- در هسته‌ی آن است که گروه فعلی را به گروه اسمی در آرایش نحوی اسمواره‌ها تغییر می‌دهد. مقوله‌ی نقشی دیگر به نام گروه اضافی محمولی (PEP) در آرایش نحوی اسمواره‌ها ادغام می‌شود تا فرایند پیکره‌بندی آنها را کامل نماید. تکواژ نقش‌نمای اضافه در هسته‌ی گروه (PEP) باعث حرکت اسم‌مصدر به تنهایی در اسمواره‌های ملکی یا همراه با کنش‌رو در اسمواره‌های عاملی به هسته‌ی دوم آنها می‌گردد. در اسمواره‌ها، مقوله‌ی TP و به تبع آن مقوله CP وجود ندارد زیرا ریشه‌ی اسمواره‌ها قبل از ترکیب با تکواژ زمان گذشته a□ با تکواژ اسم‌ساز ay- و تکواژ اضافه محمولی /u/ ترکیب می‌شود.

تفاوت در آرایش نحوی مقوله‌های نقشی باعث تفاوت در بازنمود نو-دیویدسونی، ساختار رویدادی و در نتیجه بازنمایی معنایی مختلف می‌گردد. عوامل مؤثر بر بازنمایی معنایی در آرایش نحوی شامل تنوع ریشه، تفاوت در نوع مقوله‌های نقشی و تعداد آنهاست. کارکرد مقوله‌های نقشی در آرایش نحوی متفاوت است. بعضی از آنها مانند مقوله‌های V و v به ترتیب محمول‌های رویداد پیامدی و سببی را به آرایش نحوی در جمله و اسامی معرفی می‌کنند. مقوله نمودی، هم در جمله‌ها و هم اسمواره‌ها، ساختار رویدادی به صورت حصولی یا فعالیتی بازنمود می‌کند. به علاوه، هسته‌ی مقوله‌های VoiceP و ApplP به ترتیب رابطه‌ی بین موضوع برونی را با فاز vP و موضوع الحاقی را با ملک یا مکان برقرار می‌سازد.



در مرحله‌ی بازنمون به سوی سطح صورت آوایی، مشخصه‌های حاصل از گره‌پایانی در آرایش نحوی تحت فرایندهای خاص ادغام ساختواژی، همجوشی، حرکت، بازترتیب‌گذاری و نشانه‌گذاری حالت و مطابقت قرار می‌گیرند. بدین ترتیب، آنها به صورت آوایی نهایی مقوله‌بندی در جمله‌ها و اسمواره‌ها دست می‌یابند. بنابراین، برای تکمیل مقوله‌بندی از لحاظ بازنمایی آوایی اجرای فرایندهای پس‌انحوی در سطح صورت آوایی ضروری است. آشکار است که این فرایندها در جملات حاوی افعال دومفعولی و اسمواره‌های متناظر دارای تفاوت‌ها و شباهت‌های هستند.

۶. پی‌نوشت

1. Hawrami
۲. برای شواهد شرح میان‌خطی آمده و فهرست نشانه‌های اختصاری در پیوست مقاله آمده‌است.
3. Categorisation or Labeling
4. Syntactic Configuration
5. Semantic Realisation
6. Minimalist Program/Distributed Morphology
7. Event Structure
8. Verbal Phrase
9. Low Applicative Phrase
10. Predicative Ezafe Phrase
11. VoicePhrase
12. Tense Phrase
13. Complementizer Phrase
14. noun Phrase
15. Predicative Ezafe Phrase
16. N. Chomsky
17. J. Grimshaw
18. H. Borer
19. H. Harley
20. A. Alexiado
21. D. Siddiqi,
۲۲. باید گفت که این تنها نشانه و تکواژ اسم مصدر ساز در هورامی است.
۲۳. می‌توان از فاعل جمله هم بعد از حرف‌اضافه به وسیله ja la□□i در ابتدا یا انتهای این دو نوع سمواره به صورت افزوده استفاده کرد. با اینحال، گویشوران هورامی به ندرت از ساختار ذکرشده استفاده می‌کنند

۲۴. افعال دومفعولی اصلی به دو دسته افعال انتقال مالکیت و انتقال مکانی دسته‌بندی می‌شوند (میرانی و کریمی‌دوستان ۱۳۹۵). به سبب شباهت بسیار اسمواره‌های متناظر آن دو در مقوله‌بندی، آرایش نحوی، بازنمایی آوایی و بازنمایی معنایی این مقاله به تحلیل اسامی متناظر با افعال انتقال مالکیت اکتفاء می‌نماید. یافته‌های حاصله را می‌توان با تفاوت‌های کمی به اسامی متناظر با افعال انتقال مکانی هم تعمیم داد.

25. J. Bowers
26. L. Pyllkanin
27. Ž. Bošković
28. C. Maienborn
29. E. Luuk
30. M. C. Baker

۳۱. برای تحلیلی مشابه در مورد اسمواره‌های متناظر با افعال دومفعولی در زبان چک به دورک (۲۰۱۴) مراجعه کنید.

۳۲. می‌توان پس از VP در جملات و بعد از NP در آرایش نحوی اسمواره‌ها مقوله‌نقشی دیگری را به نام مقوله مشخصه‌ها FP برای بیان رابطه مطابقت در جمله و اسمواره عاملی ادغام کرد.

33. Aspect Phrase
34. Extended Projection Principle
35. I. Heim and A. Kratzer
36. R. Hovav and B. Levin
37. Features Phrase

۷. پیوست

نشانه‌های اختصاری

نشانه	مفهوم	نشانه	مفهوم	نشانه	مفهوم
اشم	اول شخص مفرد	اضمل	اضافه ملکی	حغفا	حالت‌نمای غیرفاعلی
دشم	دوم شخص مفرد	اسسا	اسم‌ساز	ح‌مک	حالت‌نمای مکانی
سشم	سوم شخص مفرد	نک	نکره	مضسا	مضاعف‌ساز فاعلی
اشج	اول شخص جمع	مع	معرفه	Sub	فاعل
دشج	دوم شخص جمع	مج	مجهول‌ساز	DO	مفعول صریح
سشج	سوم شخص جمع	مذ	مذکر	IO	مفعول غیرصریح
پزح	پیشوند زمان حال	مؤ	مؤنث	Pre	حرف اضافه
تک	تکواژ گذشته	جم	تکواژ جمع	V	فعل
تسب	تکواژ سببی‌ساز			ح‌مف	حالت‌نمای مفعولی



۸. منابع

- انوشه، مزدک (۱۳۹۴). «فرافکن‌های نمود و زمان در صفت‌های فاعلی مرکب بر پایه نظریه صرف توزیعی». *دوماهنامه جستارهای زبانی*، ۶۵، شماره ۵ (پیاپی ۲۶)، ۷۲-۴۹.
- کریمی‌دوستان، غلامحسین و باقری، راضیه (۱۳۹۰). *ساخت اضافه در زبان‌های ایرانی*. انتشارات سخن: تهران.
- مدرسی، بهرام و ذوقی، نغمه (۱۳۹۵). «بررسی گروه حرف تعریف در زبان فارسی بر پایه برنامه کمینه‌گرا». *جستارهای زبانی*، ۷۵، شماره ۲ (پیاپی ۳۰) خرداد و تیر، ۲۰۷-۲۲۲.
- میرانی، جبار و کریمی‌دوستان، غلامحسین (۱۳۹۵). «ساختار موضوعی افعال دوفعولی در کردی هورامی». *زبان فارسی و گویش‌های ایرانی*، سال اول. دوره دوم (پیاپی ۲)، ۱-۲۵.
- **References**
- Alexiadou, A. (2001). *Functional Structure in Nominals, Nominalization and Ergativity*, Amsterdam: Benjamins Publishing Company.
- Alexiadou, A. (2010a). "Nominalizations: A Probe into the architecture of grammar. Part I: The Nominalization puzzle". *Language and Linguistics Compass*, 4(7), 496-511.
- Alexiadou, A. (2010b). "Nominalizations: A Probe into the architecture of grammar. Part II: The Aspectual Properties of Nominalizations, and the Lexicon vs. Syntax Debate". *Language and Linguistics Compass*, 4(7), 512-523.
- Baker, M. C. (1988). *Incorporation: A theory of grammatical function changing*. Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Borer, H. (2005b). *The Normal Course of Events, Structuring Sense*. Volume II. Oxford: Oxford University Press.
- Borer, H. (2013). "Derived nominals and the domain of content". *Lingua*, 1-26. doi:10.1016/j.lingua.2013.10.007.
- Bošković, Ž. (2007). "On the locality and motivation of Move and Agree: An even more minimal theory". *Linguistic Inquiry*, 38, 589-644.
- Bowers, John. (2011). "Non-event nominals and argument structures". *Lingua*, 12(1), 1194-1206.
- Chomsky, N.(1970). Remarks on nominalization. In *Readings in English Transformational Grammar*, edited by A.J. Roderick and P.S. Rosenbaum. Ginn, Waltham, MA.
- Darzi, A., & M. Anoushe (2010). "Main Verb Movement in Persian, A Minimalist Approach". *Zaban-pazhuhi*, 2(3), 21-55[InPersian].
- Grimshaw, J. (1990). *Argument Structure*. Cambridge, MIT Press.
- Heim, I, and Kratzer, A. (1998). *Semantics in Genrative Grammar*. Oxford:

- Blackwell Publishers Ltd.
- Harley, H. (2009). *The morphology of nominalizations and the syntax of vP, Quantification, Definiteness and Nominalization*. edited by Monika Rathert and Anastasia Giannadikou. Oxford: OUP, PP, 320-342.
 - Harley, H. (2012). Semantics in Distributed Morphology, In Claudia Maienborn, Paul Portner & Klaus von Heusinger, (eds.), *Semantics: International Handbook of Meaning*, Vol. 3. Berlin: de Gruyter.
 - Harley, H. (2013). "External arguments and the Mirror Principle: On the distinctness of voice and v". *Lingua*, 125(12), 2159-2175.
 - Hovav, R., & B. Levin. (2008). "The English Dative Alternation: The Case for Verb Sensitivity". *Journal of Linguistics*, 44, 129-167.
 - Karimi, Y. (2015). "Remarks on ergativity and phase theory". *Studia Linguistica* /a-n/a. Online publication date: 1-Oct-2015.
 - Luuk, E. (2009). "The noun/verb & predicate/argument structure". *Lingua*. 119, 1707-1777.
 - Maienborn, C. (2011). "*Semantics: An international handbook of natural language meaning; Volume 1. Chapter: Event Semantics*". Publisher: Mouton de Gruyter, Editors: Claudia Maienborn, Klaus von Heusinger & Paul Portner, 802-829.
 - Pylkkanen, L. (2008). *Introducing arguments*. Cambridge. MA: MIT Press.
 - Siddiqi, D. (2009). *Syntax within the word: Economy, allomorphy, and argument selection in Distributed Morphology*. Amsterdam: John Benjamins.